

استثناگرایی در هویت فضای مدنی ایران

محمدحسین رامشت^۱ - فرهاد باباجمالی^۲

گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

ISFAHAN UNIVERSITY, GEOGRAPHY DEPARTMENT
Mrameshat@yahoo.com
Specialism in Iran Civilization Spatial Identification

چکیده

ایران را از نظر معیارهای خاصی میتوان یک سرزمین استثنائی تلقی کرد. تفاوت‌های ارتفاعی آن هم در طیف منفی ۲۸ تا ۵۶۷۸ متر از سطح دریا، تفاوت‌های اقلیمی بوسعت استوا تا قطب، تنوع حیرت‌انگیز گیاهی و دهها ویژگی منحصر بفرد دیگر میتواند اغراق آمیز نبودن واژه استثنائی را تا حدودی توجیه نماید. به لیست انحصارات ویژه این سرزمین قانون رشد مدنیت‌ها را نیز باید افزود. نیم‌نگاهی به سیر تاریخ تحول کانون‌های مدنی در دنیا نشان میدهد که پیدایش و تحول کانون‌های مدنی از قانون خاصی پیروی میکند، بطوری که بر اساس تحلیل‌های ویل دورانت دوره‌های حاکمیت یخچال‌ها در کره زمین دوره انقباض مدنیت و دوره‌های حاکمیت بین یخچالی، دوره بسط مدنیت ذکر شده است (ویل دورانت، ۱۹۸۲، ص ۳).

این قانون در مورد ایران درست معکوس عمل شده و لذا ایران را باید از این نظر نسبت به قانون جاری در دنیا مستثنی کرد. این مقاله که بر گرفته از یک طرح پژوهشی در دانشگاه اصفهان است، سعی دارد بر اساس تحلیل عناصر زمین ریخت‌شناسی دیرینه، قوانین حاکم بر تحول مدنیت در ایران را در چهارچوب معارف علوم زمینی و محیطی تبیین نماید. نتایج ارزیابی‌ها در این طرح نشان میدهد که:

- رشد کانون‌های مدنی در ایران درست جهتی عکس با آنچه در اروپا و امریکا رخ داده بوده بنحوی که دوره‌های انقباض و انبساط مدنی در ایران مقارن با اروپا و امریکا نبوده است.

- در ایران انقطاع دوره مدنی مانند آنچه در اروپا و امریکا معمول بوده وجود نداشته است و درست زمانی که بخشی از ایران دوره انقباض مدنی را میگذرانده بخش دیگری از این سرزمین دوران انبساط را تجربه می‌کرده است.

^۱ دانشیار دانشگاه اصفهان

^۲ دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

- این تغییرات بصورت تناوبی و به صورت حاکمیت دوره‌های سرد و گرم بوده است.

- پایداری این تغییرات سبب تغییرات عمده شرایط زیست محیطی بوده است

- ناگهانی بودن آن سبب از میان رفتن جوامع بشری و تدریجی بودن آن سبب جابجائی و مهاجرت‌های بزرگ اقوام شده است.

اگرچه باستان شناسان در زمینه تاریخ ایران کارهای ارزشمندی صورت داده‌اند ولی باید اذعان نمود که کارهای آنها کمتر معطوف به چنین دیدگاه و زمینه‌هایی بوده است. در زمینه باز شناسی شرایط محیطی و تحلیل و تاثیر آن در فرهنگ جوامع مدنی کارهای ولیکوفسکی^۱ (۱۹۵۰-۱۹۵۵) از بداعت و نوآوری خاصی برخوردار است. وی با انتشار دو کتاب سالهای بحران^۲ و جهان واژگون شد^۳ روش بدیعی را در تحلیل و باز شناسی محیطی طبیعی و رخدادهای آن ارائه داد. سید سجادی (۱۳۸۴) به تأثیر محیط طبیعی بر چگونگی استقرار انسان در فلات ایران پرداخته و از دو منظر جغرافیایی و باستان‌شناسی موضوع را به بحث گذارده‌اند. صادقی (۱۳۸۳) به نوسانات اقلیمی دوران چهارم و فرآیندهای شکل‌زا در دوره‌های مختلف و در ادامه به رفتار بیوم‌ها و جانوران در طول دوران چهارم اشاره نموده و به تمدن‌هایی که توسط انسان به وقوع پیوسته پرداخته است. مطالعات مربوط به دیرینه سنگی، در ایران به کارهای دموورگان (۱۹۰۷) باز می‌گردد، وی ضمن کشف پاره‌ای ادوات سنگی در رسوبات پلیوستوسن در حوزه خزر اظهار می‌دارد که ایران در این دوره به وسیله یخچالهای کوهستانی و دریاچه‌ها پوشش داده می‌شده است. کون (۱۹۷۵) در کتاب هفت غار اطلاعات خود از حفاری‌های مربوط به دوره دیرینه سنگی میانی را تحت عنوان فرهنگ بارادوستستان^۴ منتشر ساخت.

- ثمره حاکمیت دوره‌های آناگلیشیال در ایران شکل‌گیری مدنیت سرد و حاکمیت دوره کاتاگلیشیال شکل‌گیری مدنیت گرم بوده است ولی چنین رخدادی بصورت تناوبی و تواتری مطلق صورت نمی‌گرفته بلکه همزمانی این رخدادها از ویژگی‌های استثنائی مدنی در ایران تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: ایران، مدنیت، دوران چهارم، آناگلیشیال، کاتاگلیشیال، تغییرات اقلیمی

مقدمه:

بین هویت مکانی و تاریخ انسانها رابطه انکارناپذیری وجود دارد. همین امر موجب شده که بسیاری از محققین برای تبیین تاریخ انسانهای هر مکان و انتقال آن به نسل آینده تلاش خود را بر بسیاری از حوادث طبیعی متمرکز نمایند زیرا اینگونه حوادث تأثیرات عمیقی در فرهنگ و رفتار انسانی داشته و لذا بر اساس باز شناسی مواریت زمین ریخت شناسی و اقلیمی موجود، امکان بازسازی تاریخ تطور آن‌ها بهتر فراهم می‌شود.

تغییرات اقلیمی در دوران چهارم تأثیرات مهمی بر جابجائی و مهاجرت‌ها، مشاغل، مسکن و... بشری داشته است. تلاش زمین ریخت شناسان در این زمینه بیشتر بر تأثیراتی تاکید دارد که بر فرایندهای شکل‌زا و فرم اراضی متمرکز بوده و این اطلاعات که بصورت شواهد و آثار فرمی بر صحنه طبیعت باقی مانده کمک شایانی به دیگر محققین در درک بهتر محیط‌های اقلیمی گذشته کرده است و از این رو دست یابی به اطلاعاتی در زمینه گستره و چندو چونی عملکرد دوره‌های تناوبی اقلیمی به شناخت بیشتر تاریخ طبیعی کانونهای مدنی کمک و بسیاری از حقایق مربوط به تغییرات فضاهای کالبدی را توجیه مینماید بطوری که در اکثر موارد تکمیل کننده تاریخ و سیر تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها بوده است. (فلامکی ۱۳۶۸، ص ۴۳-۴۵) بطور کلی میتوان تغییرات اقلیمی حادث شده که منجر به تحولات مدنی گردیده را دارای ویژگی‌های ذیل دانست:

- تغییرات در سطح گسترده‌ای از جهان رخ داده است.

¹-Velikovsky

²-worlds in collision

³-Earth in pheaval

⁴- Baradostain culture

بحث :

کانونهای مدنی و نحوه توزیع مکانی و زمانی آنها از جمله مباحث عمده علوم اجتماعی و مردم شناسی است که توجه بسیاری از پژوهندگان دیگر را نیز به خود جلب نموده و در این بین تأثیر عوامل محیطی به ویژه تغییرات اقلیمی و فرآیندهای ناشی از آن و چگونگی تأثیر این رخدادهای بر کانونهای مدنی است که که اخیراً مورد توجه دانشمندان علوم جغرافیا (ژئومورفولوژیست ها) قرار گرفته است.

بطور کلی براساس نظرات تون بی و ویلی دورانت مدل توسعه مدنی در دنیا از مدل تغییرات اقلیمی یعنی حاکمیت دوره‌های سرد و گرم تبعیت میکرده است. در این مدل که یک مدل سیاره‌ای محسوب میشود با افزایش برودت و گسترش یخچالها کانونهای مدنی در اروپا و امریکا بسمت نواحی پست استوائی فشرده شده و به اصطلاح این دوران را دوران قبض مدنی در اروپا و آمریکا و یا دوره همگرایی مدنی استوائی مینامند. (باباجامالی ۱۳۸۶ ص ۳۴-۳۹) در پی افزایش نسبی دمای کره زمین، پیشروی یخها متوقف و ذوب آنها از سرزمینهای پوشیده از یخهای قاره‌ای، شرایط مساعدی برای ایجاد کانونهای مدنی جدید بوجود می‌آورده و لذا از تراکم آنها در مدارات میانه و پایین کاسته و جهتی به سمت مدارات بالاتر نشان می‌دهند. این دوره به نام دوره واگرایی کانونهای مدنی از محور مداری یا دوره بسط مدنی قلمداد می‌شود. (شکل ۱)

تحقیقات پاره‌ای از باستان شناسان و مورخان نیز مانند فیلیپ جی. آدلر (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که خط سیر مدنیتهای در کره زمین از چنین مدلی در مقیاس سیاره‌ای پیروی می‌نماید. اما آنچه در ایران رخ داده کاملاً برعکس مدل فوق است بطوری که در ایران دوران سرد مقارن با زمانی است که مدنیتهای بزرگ و متعدد شکل می‌گیرند و دوره‌های گرم مصادف با محدودیت و از بین رفتن کانونهای مدنی در این سرزمین است. در یک تعریف کلی تر، زمان رشد مدنیتهای در اروپا و آمریکا همزمان با افول مدنیتهای در ایران و زمان افول مدنیتهای در اروپا و امریکای شمالی همزمان با رشد مدنیتهای در ایران بوده است. اما نکته

درباره قدیم‌ترین آثار زندگی انسان در ایران و تغییرات اقلیمی دوران چهارم رایت (۱۹۶۳) ویتافنزی^۱ (۱۹۸۰)، وان زیست^۲ (۱۹۷۷)، پروفیسور آریایی و تیالت^۳ (۱۹۷۷) کارهای با ارزشی انجام داده‌اند.

رامشت (۱۳۸۰) با تبیین رابطه ژئومورفولوژی و کانونهای مدنی در ایران، دریاچه‌های دوران چهارم را کانون اصلی مدنیتهای در ایران معرفی میکند و از رودخانه‌ها و سواحل بعنوان دیگر عوامل موثر در تشکیل کانونهای مدنی نام می‌برد. هورتون^۴ (۲۰۰۴) به واکنش انسان و تغییرات سطح اساس خلیج فارس در هلسن اشاره نموده و تأثیرات نوسانات آب خلیج فارس بر روی سکونتگاهها بین ۳ تا ۶ هزار سال قبل از میلاد مسیح پرداخته و اهمیت آن در چگونگی ایجاد اولین مدنیتهای در جهان که تحت تأثیر موقعیت طبیعی گودال خلیج فارس به وجود آمده‌اند می‌پردازد. کالینامورو^۵ (۲۰۰۴) مروری بر جابجایی رودخانه‌های دجله و فرات و تأثیرات ممکنه آن بر تحولات مدنیتهای در قسمت سفلی این جلگه دارد و به اهمیت این موضوع در توزیع سکونتگاهها در جلگه بین النهرین پرداخته و بر اساس مدل جابجایی رودخانه‌ها الگوهای رسوبی و کانالها، کمربند جابجایی رودخانه‌ها را به عنوان مکانهایی که سکونتگاههای شهری برگرد آن پدیدار و متحول شده‌اند مورد توجه قرار داده است.

این مقاله سعی دارد با توجه به کارهای انجام شده در زمینه سکونت گاهها و اثر تغییرات اقلیمی بر جابجایی، افول و یا رشد و توسعه آنها، بر اساس روش تحلیل اسنادی متکی به مواریت اقلیمی به تحلیل نحوه شکل گیری کانونهای مدنی پردازد و عوامل طبیعی که موجب ایجاد هویت مکانی در ایران شده است را بازسازی و تفاوت‌های مدنی در ایران را با سایر مناطق را باز گو نماید.

¹ - Vita finzi.c

² Van siest.w

³ Tibault.c

⁴ Hurton Benjamin

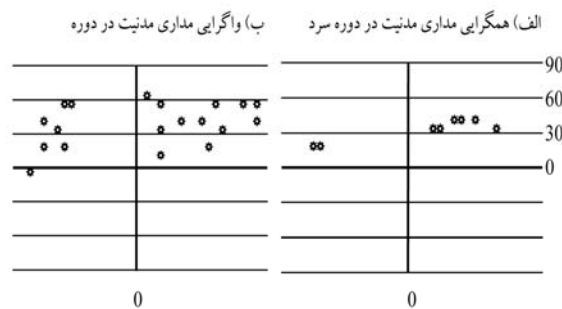
TP⁵PT Calina/morozava

و منطقی است هنگامیکه که تغییری در سیستمی شکل زا بوجود آید، الگوهای مدنی پاسخی به این فرآیندها داشته باشند و چنانچه نتوانند پایداری خود را حفظ نمایند، محدود و یا جابجا شده و یا نهایتاً به ورطه نابودی کشانده شود.

تاثیر تغییرات کلان اقلیمی در ایران با آنچه در اروپا و آمریکا بر کانون‌های مدنی داشته است متفاوت است. بطور کلی حاکمیت دوران سرد سبب افزایش برودت و بعضاً رطوبت در نواحی شده و این امر بخش عمده‌ای از نزولات جوی باریده شده در نوار عرض‌های بلند جغرافیایی را بصورت جامد بر روی نواحی قطب و جنب قطب بلوکه می‌کرده است. این انباشت‌های یخی در قاره‌ها نتیجه دیگری را نیز در بر داشته است و آن کاهش سطح آب دریاهاى آزاد است. میزان پایین رفتن آب بر اساس شواهد ژئومرفیک موجود در کف بسیاری از دریاها تا یکصد متری عمق فعلی نیز گزارش شده است (کلتات، ترجمه ثروتی ۱۳۷۸ ص ۱۹۰-۱۹۷). این رخدادها پدیده‌های عام ناشی از حاکمیت دوران سرد بر زمین قلمداد می‌شود. نتیجه چنین تغییراتی در اروپا و آمریکای شمالی انباشت شدید نزولات بصورت پوشش‌های عظیم یخی بوده که سرتاسر اروپا را فرامی گرفته است و بدنبال آن امکان ادامه حیات بشری بر روی پوشش چند هزارمتری یخ از میان می‌رفته است لذا تمامی سکونت‌گاه‌های بشری به نواحی پست تر و یاب‌ه عبارتی گرم‌تر کشیده می‌شده است. شکل (۲)

اما درست در همین مقطع زمانی در ایران اتفاق دیگری تکوین می‌یافته است. با برودت و رطوبت بیشتر محیطی ارتفاعات بیش از دوهزار و پانصد متری در ایران پوشیده از یخ‌های کوهستانی شده و ذخایر عظیمی از آب در آنها انباشت می‌شده است که بعضاً بصورت یخچال‌های کوهستانی حرکت و بسوی مناطق کم ارتفاع تر روان می‌شده‌اند. حرکت یخ‌ها با کم شدن ارتفاع و افزایش دمای محیطی ذوب شده و رودخانه‌ها در این زمان از آب بیشتری برخوردار و به سطوح اساس محلی یعنی همان چاله‌های بسته داخلی سرازیر می‌شده‌اند. لذا در ایران مقارن با حاکمیت سرما و یخزدگی گسترده در اروپا و آمریکای شمالی دوران رونق و پربابی را پشت سر می‌گذرانده و در نتیجه اراضی مستعد

قابل تامل دیگر موضوع انقطاع مدنی در اروپا و آمریکا در دوره‌های قبض مدنی است. حال آنکه در سرزمین ایران در دوره قبض مدنی شامل همه مناطق نمی‌شده است و درست در حوض افول مدنیت در بخشی از ایران، بخش دیگری از ایران شاهد شکوفائی و رشد مدنیت بوده است. به عبارت دیگر ایران در هیچ دوره‌ای شاهد انقطاع مدنی نبوده حال آنکه در اروپا و آمریکا دوره‌های برودتی پوششی از یخ با ضخامت یک تا دوهزار متر سراسر اروپا و آمریکای شمالی را پوشش میداده و لذا امکان هرگونه فعالیت بشری متوقف می‌شده است (کورت ساپلی^۱ ۱۹۹۸: ص ۳۸-۷۲). این تفاوت‌ها در ایجاد هویت مکانی و شکل‌گیری بسیاری از ویژگی‌های ارضی نقش مهم و موثری ایفا نموده است.



شکل (۱) نحوه توزیع کانون‌ها در دودوره یخچالی و بین یخچالی

تغییرات اقلیمی و کانون‌های مدنی در ایران

اگر بر اساس نظریات اخیر در زمین‌شناسی طول دوران چهارم را از ششصد هزار سال پیش به این طرف قلمداد کنیم (پدرامی، ۱۳۶۷)، تغییرات اقلیمی را باید از جمله ویژگی‌های عمده این عصر بر شماریم بنحوی که بر اساس روش‌های جدید^۲ بیش از نود سیکل تغییر اقلیمی یا به تعبیری هر شش تا هفت هزار سال یکبار با یک تغییر اقلیمی عمده روبرو بوده ایم.

علل این تغییرات هرچه باشد، تاثیر آن بر سکونت‌گاه‌های بشری، مهاجرت و جابجائی و معیشت انسان چیزی نیست که بتوان بسادگی از آن گذشت. بنا بر این قابل انتظار

^۱ - Curt suplee

^۲ - روش رادیو ایزوتوپ ها

نشینی) را نیز شاهد بوده ایم. به این دوره از رشد در ایران دوره مدنیت سرد اطلاق می‌شود زیرا برودت موجب شکوفائی مدنیت در ایران مرکزی شده است.

اما حاکمیت دوره گرم تر از امروز نیز بوقوع پیوسته است. این دوره که مصادف با ذوب یخ پوش‌ها و یخچال‌هاست دوره بسط مدنیت در اروپا و امریکای شمالی بشمار می‌آید و همچنان که در شکل (۳) دیده میشود کانون‌های مدنی از محور استوا فاصله گرفته و تا عرض‌های ۷۰ درجه هم گسترش یافته‌اند.

در ایران مقارن با دوره گرم توسعه مدنی درست عکس آنچه در اروپا و امریکا بوقوع پیوسته رخ داده است. در این مقطع زمانی با افزایش دما و کاهش رطوبت محیطی در ایران مرکزی خشکی حاکم گشته، منابع آبی کم، پوشش‌های گیاهی محدود و نتیجتاً فرسایش بادی حاکم و شهرهای بزرگ در ایران مرکزی دچار رکود وافول شده‌اند بطوریکه ده‌ها شهر و روستای بزرگ بطور کلی از میان رفته و بعضاً زیر شن‌های روان مدفون شده‌اند که آثار و بقایای آن امروزه در گوشه و کنار ایران توسط باستان شناسان کشف شده است. به عنوان مثال شهرهایی چون تنگه غلامان، شهر سوخته، اریسمان و دهها شهر و دهکده دیگر از این نمونه‌اند.

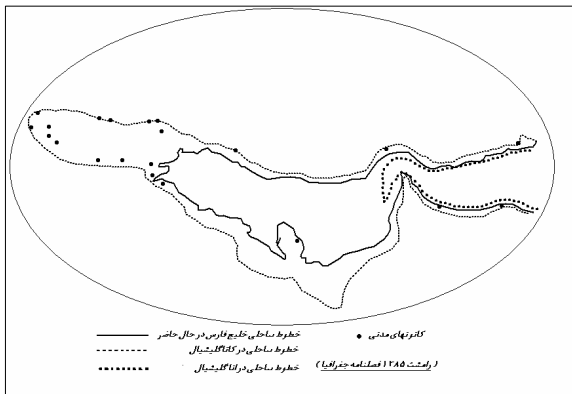
بعبارت دیگر دوره حاکمیت گرمائی در ایران مقارن با دوره قبض مدنی در ایران بوده است. اما در همین دوره با ذوب شدن یخ‌های قطبی سطح دریاهای آزاد شروع به بالا آمدن نموده بگونه‌ای که سطح آب در دریای عمان و خلیج فارس بر اساس شواهد ژئومرفیک بیش از هفتاد متر از حد فعلی بالاتر بوده است. (رامشت ۱۳۸۰ ص ۹۳-۱۱۰)

برای فعالیت انسانها فراهم شده و از سوی دیگر با گسترش جنگل‌ها و مراتع شرایط لازم برای رشد سکونت‌گاه‌ها و مدنیت‌های مسکون و روان فراهم میشده است. این شرایط بیشتر بر فلات مرکزی ایران حاکم بوده شهرهای بزرگی چون ری، قم، یزد، کرمان، میبد، اردستان، کاشان، اصفهان، مرودشت، زابل، مشهد، تبریز، ارومیه، بیرجند، دامغان، سبزوار، و... از چنین وضعیتی بهره مند شده گسترش یافته‌اند ولی نقاط مرتفع شانس برای مسکون شدن نداشته‌اند. در همین حال سواحل دریاهای آزاد یعنی سواحل دریای عمان و خلیج فارس دست خوش تحول قهقرائی شده و تمام شهرهای ساحلی بواسطه پایین رفتن سطح آب از دریا دورمانده و لذا افول مدنی خود را تجربه میکرده‌اند بطوریکه بر اساس شواهد ژئومرفولوژیک که پارسر از آن یاد میکند خط ساحلی در خلیج فارس به حوالی تنگه هرمز عقب نشینی کرده از دریا فاصله می‌گرفته‌اند، بطوریکه خلیج فارس سه بار در طول دوره‌های یخچالی به کلی خشک شده است و سواحل آن به دهانه‌های تنگه هرمز محدود میشده است و بسیاری از جزایر به خشکی پیوسته و موقعیت بندری خود را از دست میداده‌اند (پارسر^۱ - ۱۹۷۳). بنابراین در دوره انقباض مدنی در دنیا، نواحی مرکزی ایران با رشد مدنی و نواحی ساحلی جنوب با افول مدنی مواجه بوده است. لازم به یاد اور نیست که خطوط سواحل شمالی دقیقاً حالت عکس خطوط ساحل جنوبی را تجربه میکرده است زیرا دریای مازندران یک دریاچه بسته بوده است و در دوره حاکمیت برودت و سرما سطح آب آن بالا آمده و لذا بر اساس نوشته‌های محمودی (۱۳۶۷ ص ۵-۴۳) هفتاد و پنج متر سطح تراز با حد فعلی تفاوت داشته است با این حال شهرهای خطوط ساحلی در شمال نیز از این جریان نفع چندانی نبرده و با آب گرفتگی و تغییر مکان بسمت نواحی مرتفع تر همراه بوده‌اند.

بطور کلی می‌توان گفت در این دوره که به دوره قبض مدنی در اروپا و امریکا موصوف است در ایران شاهد گسترش وسیع مدنیت مسکون شهری و روستائی و همچنین بواسطه گسترش مراتع و علف زارها مدنیت روان (کوچ

^۱- parser

پایدار مورد توجه قرار می‌دهند، مدنیت‌ها بعنوان یک شاخص مهم مطرح و استمرار بدون انقطاع آن هویتی ویژه را برای مکان‌های فوق بوجود می‌آورد.

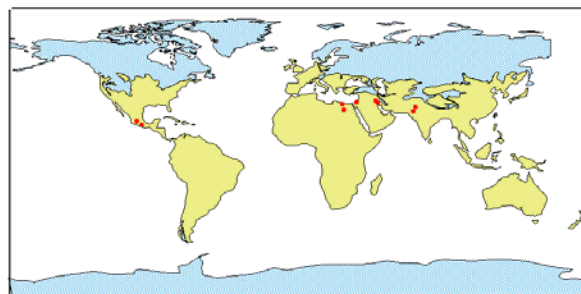


شکل (۴): تغییرات خطوط سواحل خلیج فارس و دریای عمان در تغییرات اقلیمی (سرد و گرم)

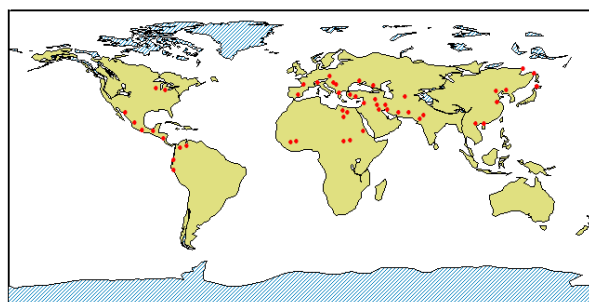
گرچه امروز مدنیت حلقه مفقوده مطالعات فرهنگی است اما نقش تعیین کننده در ساختار اجتماعی و فردی دارد بطوریکه انسان نیاز شدیدی به هویت بخشی خود از طریق ایجاد تعلق خاطر به مکان، کس و یا چیزی را دارد و بعنوان یک حس غریزی در او متجلی است. انتساب به فلان طبقه یا خاندان و عشیره و یا گروه و نحل و مکان همگی حاکی از نیاز به هویت بخشی تلقی می‌شود و همین وضعیت برای واحدهای اجتماعی بزرگتر و حتی اقوام و ملل نیز دارای اهمیت و درجه اعتبار وافر است. حال هرچه این مراجع اصیل تر، ریشه دارتر و دارای پیشینه قوی تری باشند هویت جمعی و فردی پررنگ تر و غنی تر و ثمره آن فرهنگی ریشه دار و غیرقابل خدشه و انکارناشدنی تر خواهد شد.

نتیجه گیری

با اتکا به مطالعات محیطی میتوان بخوبی دریافت که بسیاری از ویژگی های هویت بخش مکانی تحت تاثیر عوامل طبیعی بوجود آمده و ریشه در تغییرات محیطی بویژه تغییرات اقلیمی در سطح کلان دارد. هویت شهرهای ایران تابع عوامل برودتی و حرارتی و نحوه جایگزینی این تواتر طبیعی است بگونه ای که در دوره های سرد پاره ای از کانون های جمعیتی در ایران شروع به رشد و گسترش نموده



شکل (۲) دوره یخچالی، همگرایی مدنیت هادر عرض های میانی (قبض مدنیت)



شکل (۳) حاکمیت دوره گرم، ذوب یخ پوش ها و گسترش کانون های مدنی (دوره بسط مدنیت)

لذا می توان بر اساس چنین ارتفاعی خط ساحل خلیج فارس در ان زمان را ترسیم و شهرهای بندری در ان زمان را به ترتیب برازجان، بهبهان، رامهرمز، شوشتر، دزفول، مهران، دهلران، و در کشور عراق بده و تکریت دانست. به عبارت دیگر مدنیت ساحلی در دوره گرم سبب ایجاد چنین مراکز جمعیتی شده و لذا به همین خاطر این شهرها را مدنیت گرم نامیده اند. شکل (۴)

با توجه به نحوه افول و یا گسترش کانون های مدنی در نقاط مختلف ایران بخوبی میتوان دریافت که عدم انقطاع رشد مدنیت جزء استثنائاتی است که به لحاظ وجود شرایط متفاوت با دیگر نقاط جهان در سرزمین ایران رخ داده و این بدان معناست که در بررسی ها و پژوهش هایی که قلمروهای فرهنگ و تمدن را به واسطه کانون های مدنی

- فلامکی، منصور، فارابی و سیر شهر و شهروندی در ایران، ۱۳۶۷، نشر نقره، ص ۴۳-۴۵

- فیلیپ جی - آدلر: ترجمه محمدحسین آریا، تمدنهای عالم، ۱۳۸۴، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد اول

- کون. S.C. هفت غار، اکتشافات باستانشناسی در خاور میانه، نیویورک، ۱۹۵۷، ژورنال آلفرد آنوف، ۱۹۰۷

- کلتات. دیترو، ثروتی محمد رضا، جغرافیای طبیعی دریاها و سواحل، ۱۳۷۸، انتشارات سمت، ص ۱۹۰-۱۹۷

- محمودی؛ فرج‌اله، تحول ناهمواریهای ایران در کواترنر، ۱۳۶۷، مجله پژوهشهای جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۲۳

- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۹۸۲، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، جلد ۱ ص ۳

-Ariai, A. and C.Thibault, 1977, Nouvelles Proeoisions apropos de loutillage paleolithique anacien sur galets de khorassan (Iran) paleorient 3 :101-8

- Coon, C.s, 1957, The Seven Cave. Archaeological Explorations in the Middle East. New york, Alfred A.Knopf

-- Curt Suplee, 1998, Unlocking The ClimatePuzzel, National Geography, Vol 193, No.5, P 38-72

- Hrton, BenJamin, (2004) Human responses to Holocene sea level change in the Persian Gulf. by universitiy of Pennsylvania and university of Durham.uk

- Parser, B.h, 1973, The Persian Gulf, Holocen carbonate Sedimentation and Diayenesis in a Shallow Epicontinental sea, Berlin, Hidelberg. Newyork

-Vita – Finzi, C. 1980, Surface finds from Iranian Makran. Iran18: 149-55.

- Velikovsky, Immanuel, worlds in collision, 1950 London, Gollancz

- Velikovsky, Immanuel, Earth in pheaval 1655 Gardencity, N.y, Doubleday .

-Van Ziest, W. and Bottema, 1977, Palynological Investigations in Western Iran Palaeochistoria 19: 18-85

-Wright, H.E, 1963, " Climatic Chanche and Plant Domesticationin The Zagros Mountains", journal of Persian studies, P145-148

اند و پاره دیگر از این مراکز در دوره‌های گرم توسعه و پایداری یافته‌اند این روند در ایران درست برعکس اتفاقات رخ داده در اروپا و امریکای شمالی است. مراکز و کانون‌های جمعیتی که در دوران سرد بوجود آمده و یا گسترش یافته‌اند را مدنیت سرد و شهرها و کانون‌های جمعیتی که در دوره‌های گرم نضج گرفته‌اند کانون‌های مدنی گرم نامیده میشوند. استثنای دیگر در تاریخ مدنی ایران عدم انقطاع مدنیت در این سرزمین است بگونه‌ای که بر خلاف امریکای شمالی و اروپا این سرزمین هرگز با انقطاع کامل مدنی مواجه نبوده و اگرچه در دوره‌ای پاره‌ای از کانون‌های مدنی افول نموده‌اند درست و مقارن با آن در جاهای دیگر این سرزمین تولید و رشد پاره‌ای دیگر از کانون‌های مدنی در حال شکل گیری بوده است. اگر چه افتراق‌های متعددی بین مراکز مدنی گرم و سرد در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و معیشتی و حتی مطلوبیت‌های فردی دیده میشود ولی تبادل و ارتباط غیر منقطع مدنی در این سرزمین نوعی همگرایی منطقه‌ای و پایداری هویتی مکانی را بوجود آورده که سبب پیچیدگی‌های اسرار آمیز مردم ساکن در این سرزمین شده است.

منابع و مأخذ

- باباجمالی، فرهاد، فرآیندهای شکل‌زا و نقش آن در شکل‌گیری کانونهای مدنی ایران، ۱۳۸۶، پایان نامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، ص ۳۴-۳۹

- پدرامی. منوچهر، سن مطلق کواترنر، ۱۳۶۷ مجله دانشکده علوم، جلد ۱۷، شماره ۳ و ۴، ص ۸۸

- دمورگان، ژاک، ترجمه کاظم ودیعی: مطالعات جغرافیای ایران، ۱۳۳۸، تبریز.

- رامشت، محمدحسین: «دریاچه‌های دوران چهارم بستر تیلور مدنیت در ایران» ۱۳۸۰، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶ ص ۹۳-۱۱۰

- سید سجادی، سید منصور، نخستین شهرهای فلات ایران، ۱۳۸۴، انتشارات سمت، جلد ۲، (ص ۲۹۴، ۲۹۸، ۳۳۸، ۳۵۳، ۳۷۴، ۴۰۱-۴۰۷)

- صادقی، عباسقلی، جغرافیای کواترنر، ۱۳۸۳، دانشگاه پیام نور، (ص ۴۰-۵۰ و ۹۸-۱۰۱)